

واکاوی جایگاه علمی و آموزشی ابن سگیت

اصغر فروغی ابری / استادیار دانشگاه اصفهان / foroughi.history@gmail.com
علی اکبر عباسیان هراتی / دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه اصفهان / aabbasian55@yahoo.com
تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰

چکیده

ابن سگیت، از یاران امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام، از الگوهای علمی - عملی سده سوم محسوب می‌گردد. او پس از فراگیری دانش، به تعلیم و تعلم پرداخت و مدتی هم به عنوان مربی و معلم در دستگاه خلافت عباسی فعالیت داشت. منابع مهم و معتبر تاریخی، او را در برخی علوم صاحب نظر دانسته و اخلاق و سلوک اجتماعی - علمی وی را ستوده‌اند. او در زمینه نقل حدیث و روایت هم معتمد و ثقه بوده است. بررسی منابع و گزاره‌های موجود در کتب تاریخی و جغرافیایی، تراجم، ادبی، رجال و معاجم، این فرضیه را تقویت می‌کند که ابن سگیت علاوه بر دانش‌های مرسوم عصر خود، از علوم متنوع دیگری برخوردار بوده است و همین امر، ضرورت تحقیق درباره وی را آشکارتر می‌سازد. این پژوهش، بررسی می‌کند که اولاً موقعیت علمی ابن سگیت چگونه بوده و ثانیاً نسبت وی با علوم متنوع عصر خویش چیست؟ روش پژوهش حاضر، توصیفی - تبیینی است و به جایگاه علمی ابن سگیت می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: ابن سگیت، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام، لغت‌شناسی، علم و آموزش.

مقدمه

ابویوسف یعقوب بن اسحاق مشهور به ابن سگیت، استاد ادب و لغت‌شناسی بوده و علاوه بر آن، سی اثر علمی در رشته‌های گوناگون علمی داشته است (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶) که برخی آثار او را می‌توان در جریان نهضت گردآوری و تدوین اشعار عربی ارزیابی کرد. کتاب اصلاح المنطق، مشهورترین اثر وی است که تاکنون، شرح و نقد و تهذیب بسیاری بر آن صورت گرفته و به تعبیر ابوالعباس مُبرّد، لغوی و نحوی برجسته سده سوم قمری، کتابی در لغت همانند آن از پل بغداد عبور نکرده است. (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۰) منابع مهم و معتبر تاریخی اهل سنت و شیعه، کثرت دانش او را ستوده و او را صاحب نظر در لغت، ادب، فصاحت و بلاغت، معتمد و ثقه در نقل روایت، صاحب اثر در گیاه‌شناسی، ستاره‌شناسی، جانورشناسی، و نیکو و باوقار در اخلاق و سلوک اجتماعی - علمی، ذکر کرده‌اند. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۶۱) در میان پژوهش‌های جدید درباره شخصیت ابن سگیت، هیچ کدام به طور اخص به مقام علمی - آموزشی وی نپرداخته‌اند که مسأله اصلی این پژوهش است. روش مقاله حاضر، از نوع پژوهش‌های توصیفی - تبیینی و مبتنی بر بازخوانی منابع و مدارک تاریخی است و ابزار گردآوری داده‌ها نیز فیش‌برداری و به روش کتابخانه‌ای و اسنادی است. هدف پژوهش آن است که با توصیف و تبیین گزاره‌های تاریخی، بازشناسی شخصیت علمی ابن سگیت و نسبت وی با علوم گوناگون دورانش را نمایان سازد که وی را در میان یاران امامان شیعه، صحابه‌ای ممتاز نموده است. از آن جا که به شخصیت علمی و آموزشی وی توجه کم‌تری شده، واکاوی آن ضروری می‌نماید.

دانش و فرهنگ در سده‌های دوم و سوم قمری

در سده‌های دوم و سوم قمری، اهتمام به جمع‌آوری حدیث گردید و شکوفایی نهضت ترجمه متون غیردینی و فراگیری علوم ادبی رواج بیش‌تری یافت. در این دوره، دانش روایت

و ادبیات و لغت و نحو در دو مکتب کوفی و بصری، رونق چشم‌گیری گرفت و کتب گران‌سنگی نوشته شد. هر خطیب، نحوی و شاعری که به شهرت رسید، منتسب به یکی از این دو مکتب بود. کوفیان که در رسیدن به قدرت خلفای عباسی نقش داشتند، مکتب علمی و ادبی و شعری آن‌ها در بغداد سیطره یافت و توجه خلفای عباسی را به خود جلب کرد. (براقی نجفی، ۱۴۲۴، ص ۴۹۶) در این دوره، بسیاری از اهل علم و ادب، به دربار عباسی فراخوانده شده، با خلیفه مجالست و بحث می‌کردند و بعضاً برای تعلیم و تعلم فرزندان خلیفه و وزرای عباسی به عنوان مؤدب به کار گرفته می‌شدند. (منسی العمری، ۱۹۹۰، ص ۲۱) مسلمانان به جمع‌آوری اخبارالعرب و اشعار و امثال ایشان روی آوردند و حضور شعرا در دستگاه خلافت، امتیاز مهمی برای فرد شاعر محسوب می‌شد که از دربار مستمری دریافت می‌کرد. (براقی نجفی، ۱۴۲۴، ص ۴۹۶)

۱. زندگی‌نامه

ابن سَکیت (۱۸۶-۲۴۴ ق) لغت‌شناس، نحوی، ادیب، شاعر، عالم به علوم قرآنی، از صحابه امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام و از بزرگان علم در سده سوم قمری است. یعقوب نام وی، ابن سَکیت لقبش و کنیه او ابویوسف است. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۶۱) وی در اوان زندگی به اتفاق خانواده‌اش برای کسب دانش، به بغداد رفت (صدر، ۱۳۷۵، ص ۱۵۵) و برخی به سبب اقامت طولانی وی در سرزمین عراق، وی را اهل بغداد دانسته‌اند. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۸۳)

ابن سَکیت مدتی در دربار متوکل (۲۰۶-۲۴۷ ق)، به آموزش فرزندان وی مشغول بود و سرانجام در سال ۲۴۴ قمری (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ بغدادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۱۲) در ۵۸ سالگی (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۱۲) به فرمان متوکل به قتل رسید. (ابن اثیر، ۱۳۸۶ ق / ۱۹۶۶ م، ج ۷، ص ۹۱؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۸)

۲. سرآغاز فراگیری دانش

نخستین آموزگار ابن سکیّت، پدرش اسحاق، و مشهور به سکیّت بوده که بعد از مهاجرت از دَورق خوزستان به عراق، در بغداد مکتبخانه‌ای تأسیس کرد و کودکان را درس می‌داد. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶) ابن سکیّت بعضاً پدر را در امر آموزش کودکان کمک می‌کرد و بعدها به صورت مستقل، در مدینة السلام (بغداد) و در باب‌المقنطره کودکان را درس می‌داد. (یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ص ۵۰؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۷) دستمزد کم و مشکلات امرار معاش، سبب گردید که وی برای ارتقای زندگی، سطوح بالای نحو را فرا گیرد که دستمزد تدریس ماهانه آن، ده درهم بود. (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۵؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۷)

وی دانش قرآن را از ابوحاتم سجستانی آموخت و علوم ادبی و نحو و لغت را هم‌زمان از دو مکتب کوفی و بصری فراگرفت. (یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۹) او با مجالست علمی با اساتید خود تحت تأثیر مکتب بصری قرار گرفت. (EI, 1960, VOL 3, P.940)

۳. گردآوری و شرح دیوان‌های اعراب جاهلی و دوره اسلامی

ابن سکیّت به منظور آشنایی بیشتر با فصاحت زبان عربی، مدتی در صحرا نزد اعراب بدوی به سر برد^۱ و الفاظ، واژه‌ها و ضرب‌المثل‌های اصیل عربی و سنن ایشان را آموخت (یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۹؛ ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۶۱) و سپس به گردآوری، تنظیم و شرح منتقدانه دیوان‌های حطیئه، امرؤ القیس، زُهیر بن ابی سلمی، نابغه دُبیانی، خنساء، عروة الورد، اعشى، عنتره بن شداد، طرفة بن عبد، عمرو بن کلثوم، لبید بن

۱. کسانی هم‌چون جارالله زمخشری، احمد بن محمد ابوحامد الخارزنجی البشتی، از پیشوایان ادبیات عرب و ثابت بن ابی‌ثابت از لغویون مشهور نیز چنین شیوه‌ای را برای کسب علم فصاحت و بلاغت دنبال کرده‌اند. (زمخشری، ۱۹۶۰، ص ۴؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۴۲؛ صفدی، ۱۴۲۰، ص ۲۸۹؛ یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۷، ص ۱۴۱)

ربیعہ، مہلہل بن ربیعہ، بشر بن خازم، جریر بن عطیہ و معلقات سبع پرداخت که از ذخایر گران‌بهای ادبیات عرب محسوب می‌شوند (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۵۰؛ منسی العمری، ۱۱۹۰م، ج ۱۲، ص ۵۲۲؛ یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۹؛ بغدادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۷؛ ابن عماد حنبلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۶) و نقایص آنها را گوشزد نمود. او عمدتاً سهم بسزایی در ادبیات عرب در این زمینه داشته است. وی علاوه بر دیوان‌های دوره جاهلی، اشعار برخی شعرای مخضرم^۱ و دوره اسلامی هم‌چون: اخطل شاعر مسیحی، حمید بن مالک ارقط، عباس بن مرداس، تمیم بن ابی بن مقبل، فرزدق، ابی‌نواس^۲ و حسان بن ثابت را تشریح و تبیین کرد. (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۵۰) او در کنار این کار، اطلاعات تاریخی ارزشمندی را در ضمن شرح و توضیح اشعار از آن دوران به دست می‌دهد. (ابی‌الفرج الاصفهانی، بی‌تا، ج ۹، ص ۶۴؛ ج ۱۵، ص ۱۶۴؛ ج ۱۶، ص ۵۱۸؛ ابن‌کنیر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۳۶)

۴. برخورداری کامل از دانش لغت‌شناسی و علم نحو

منابع تاریخی، ابن‌سکیت را در ادبیات عرب، علم نحو و لغت و توانایی وی در بهره‌مندی از دو مکتب کوفی و بصری به طور هم‌زمان، ستوده و او را جانشین کسایی، نحوی معروف (درگذشته ۱۸۹ق) دانسته‌اند. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۵۵؛ ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۷۹)

دانش او در علم لغت، به اندازه‌ای بوده که بیشتر کتب و معاجم مشهور لغت مانند قاموس‌اللغه فیروزآبادی، لسان‌العرب ابن‌منظور، مختارالصحاح رازی، مجمع‌البحرین^۳ طریحی، تاج‌العروس زبیدی و خزانه‌الادب عبدالقادر بغدادی، به معانی و مفاهیم لغوی وی استناد کرده، دیدگاه‌های وی در ابواب لغت‌شناسی را از امهات معاجم می‌دانند که قدرت اصلاح لغت را داشته و لغات را با دید انتقادی می‌نگریسته و در این امر وسواس بسیار داشته است. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۱۰۴)

۱. مخضرم به افرادی گفته می‌شود که دوره جاهلیت و اوایل ظهور اسلام را درک کرده‌اند.

۲. دیوان ابی‌نواس را در هشتصد صفحه شرح داده است. (بغدادی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۶؛ محسن امین، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۶۵)

هم‌چنین وی را امیرالمؤمنین در لغت (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۹)، شیخ العربیه (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶)، شیخ اجل (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱۵، ص ۱۹۵)، علامه (ابن‌تغری بردی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۸)، حجة فی العربیة (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۵۵۱)، پیشوای نحو و لغت و ادب (قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۶)، از بزرگ‌ترین لغت‌شناسان و سخن‌سنجان (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۹)، دانشمندی که در علوم ادبیات عرب، طعن و خللی در کار او نیست (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۹؛ قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۶؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۸)، منتهای دانش و اثره‌شناسی ادبیات عرب (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶)، عالم بغداد که به ایجاد معاجم پرداخته (ابن‌قتیبیه، بی‌تا، ص ۱۸) و پس از ابن‌عربی، عالم‌ترین لغت‌شناس معرفی کرده‌اند. (ابن‌خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۹؛ یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۲۰، ص ۵۲؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۶۲)

۵. تبحر در دانش‌های گوناگون

ابن‌سکیت در برخی علوم، صاحب‌نظر و استاد بوده و در انواع علوم، دست داشته است. (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۶۱) وی علاوه بر دانش لغت‌شناسی (براقی نجفی، ۱۴۲۴، ص ۴۸۸) بر علوم دیگر نیز تسلط داشت. (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ تستری، ۱۴۲۵، ج ۱۱، ص ۱۲۸) او به دانش علوم قرآنی و تفسیر آن، شعر، تاریخ، جغرافیا، گیاه‌شناسی، ستاره‌شناسی، جانورشناسی، آداب و فنون تعلیم و تعلم و کتابت آثار گوناگون پرداخته است.

۵-۱. علوم قرآنی

به باور لغویان، فرد لغوی که دانش لغت را می‌داند، واسطه تفسیر و تأویل قرآن و حدیث نیز محسوب می‌گردد (براقی نجفی، ۱۴۲۴، ص ۴۸۶) و لذا ابن‌سکیت از این قاعده مستثنا نبود. وی عالم به علوم قرآنی بود (یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۲۰، ص ۵۲؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱،

ص ۲۵۵) و علوم مربوط به آن را بسیار تدریس می‌کرد. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۳۰۰؛ یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱۰) وی برخی سؤالات چالشی خود را درباره تفسیر آیات قرآن با امام هادی علیه السلام مطرح نموده و جواب ایشان را دریافت کرده است. برای نمونه، در مورد آیه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ...» (نمل/۴۰) سؤال نمود: «منظور قرآن از آن فرد که دانشی از کتاب نزد اوست، کیست؟» امام به وی فرمود: «آن فرد آصف بن برخیاست». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۰۷)

هم‌چنین در مورد سجده یعقوب علیه السلام بر فرزندش یوسف علیه السلام که در قرآن ذکر شده «وَرَفَعَ أَبُوبِهِ عَلِيَّ الْعَرْشِ وَخَرَّوْا لَهُ سُجَّدًا...» (یوسف/۱۰۰) پرسش نمود و امام فرمود: «سجده او برای یوسف نبود؛ به جهت شکر خدا بود».

در مورد آیه «فَإِنْ كُنْتَ فِي شكٍّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ...» (یونس/۹۴) در مورد معنا و مفهوم شک در این آیه از امام علیه السلام پرسش نمود. امام فرمود:

این‌که قرآن به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید «اگر در شک هستی»، با این‌که پیامبر شکی نداشت، به جهت مماشات است و خداوند می‌داند پیامبرش در انجام دادن رسالت کوتاهی نکرده و دروغ‌گو نیست. (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۰۸؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۲۳)

مفسران شیعه و اهل سنت، همچون طبرسی، بحرانی، علامه طباطبایی، فخرالدین رازی، قرطبی، ابوحیان اندلسی، آلوسی و نیز راغب اصفهانی در کتاب برجسته مفردات الفاظ قرآن، معانی و مفاهیم بسیاری در زمینه علوم قرآنی از ابن سکیت نقل نموده‌اند.

۲-۵. شعر

ابن سکیت به شعر علاقه وافر داشت و شعر می‌گفت. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۵۵؛ ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹) تاریخ‌نگاران، شعر او را ستوده و آن را زیبا دانسته‌اند. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۸؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۹) برخی از مضامین اشعار ابن سکیت درباره فقر و قضا

و تقدیر و سرنوشت و واگذار نمودن امور به خداوند، بعضاً جنبه اعتراضی به دستگاه خلافت عباسی دارد که مشهورترین آن در مورد ویران نمودن قبر امام حسین علیه السلام توسط متوکل عباسی (حک: ۲۳۲-۲۴۷ق) است. ده‌ها بیت از اشعار وی در آثار ابوحنبل توحیدی، خطیب بغدادی، شمشاطی، ابن خلکان، ابن شاکر و ابوحنبل غرناطی برجای مانده است. (ابوحنبل توحیدی، ۱۹۳۹م، ج ۳، ص ۳۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۴؛ شمشاطی، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۵۱؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۷-۳۹۹؛ ابوحنبل غرناطی، ۱۴۰۶، ص ۱۰۴)

۳-۵. تاریخ و جغرافیا

از فحوای مطالب وی در منابع تاریخی و آثار خود او، چنین برمی‌آید که وی به تاریخ علاقه‌مند بوده و مباحث آن را دنبال می‌کرده است. ابن‌سکیت گزارش‌هایی مختصر و موجز در مورد روزگار جاهلیت پیش از اسلام و خصوصاً برخی حالات و احوال شعرای عصر جاهلی، دوره امویان، عصر عبدالملک بن مروان، قتل عبدالله بن زبیر در سال ۷۳ قمری و جمع شدن قبایل قیس و تغلب نزد عبدالملک بن مروان برای جنگیدن با شام داده است. (ابن‌العديم، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۳۱؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۷، ص ۱۴۵) وی سؤالاتی درباره جنگ‌های جمل و صفین از امام هادی علیه السلام نمود و پاسخ کامل ایشان را دریافت کرد.^۱

۱. امام علیه السلام در جواب وی در مورد اقدام متفاوت امام علی علیه السلام در دو جنگ صفین و جمل فرمود: «اما اعتراض تو که گفتی: علی علیه السلام با سپاه صفین جنگ کرد، چه آن‌ها که حمله می‌کردند و چه آن‌ها که فرار می‌نمودند و مجروحان که در میدان افتاده بودند می‌کشت، ولی در جنگ جمل از پی فراری‌ها نرفت و مجروحان را نکشت و هر کس شمشیر و سلاح خود را می‌افکند در امان بود، علت آن بود که رئیس و فرمانده سپاه جمل کشته شده بود و آن‌ها پناهگاهی نداشتند که به جانب او روند و به منزل خود برگشتند بی‌آن‌که دیگر تصمیم به جنگ داشته باشند و حکم درباره آن‌ها همین بود که دست از ایشان بردارند؛ زیرا در پی ادامه جنگ نبودند، اما سپاه صفین با تجهیزاتی که دائماً برای ایشان فراهم می‌شد، آماده جنگ می‌شدند و این دو سپاه با هم یکسان نبودند. (ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰، ص ۳۹۰)

ابن سکیت مطالبی را در مورد واژه‌ها و اسماء جغرافیایی در آثار خود بر جای گذاشته که مشاهیر علم جغرافیا خصوصاً یاقوت حموی و بکری از آن استفاده کرده‌اند؛ برای نمونه می‌گوید:

«رضوی کوهی مشرف به ساحل در ینبع در غرب مدینه است». (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ج ۳، ص ۵۱) در میان معاجم جغرافیایی، معجم البلدان یاقوت حموی (۵۷۴-۶۲۶ ق)، بیش‌ترین ارجاعات کتاب خود را به ابن سکیت اختصاص داده که می‌تواند نشان‌دهنده میزان اعتماد وی به دانش جغرافیایی ابن سکیت باشد.

۴-۵. گیاه‌شناسی، ستاره‌شناسی، جانورشناسی

ابن سکیت کتابی به نام النبات و الشجر داشته که اطلاعات ارزشمندی در مورد گیاه‌شناسی در آن آمده و در آثار گیاه‌شناسی نویسندگان بعد از وی به آن استناد شده است. فؤاد سزگین در تاریخ التراث العربی می‌گوید:

ابن سکیت گیاه‌شناس مسلمان است که کتاب النبات و الشجر را نگاشت و توصیفات بسیار زیبا و جامعی برای برخی گیاهان دارد. (سزگین، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۴۹۹)

سیلبربرگ (Silberberg) دانشمند آلمانی، ابن سکیت را استاد ابوحنیفه دینوری در گیاه‌شناسی می‌داند که وی هم کتابی به نام النبات و الشجر (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۷۷) در هفت جلد نگاشت و بسیاری از مطالب خود را از استادش ابن سکیت نقل کرد. (سزگین، ۱۴۱۱، ج ۴، ص ۵۰۶)

هم‌چنین ابن سکیت اطلاعات زیادی در ستاره‌شناسی داشته، آن چنان که ابن سیده ادیب، لغوی و نحوی مشهور قرن پنجم قمری، در کتاب گرانسنگ المخصّص که از گسترده‌ترین معاجم عربی است و مجلدات آن با عنوان «سفر» تنظیم شده، در بخشی از کتاب در مجلد نهم (سفر نهم) درباره آسمان و فلک، مباحث نجومی را مطرح می‌سازد و

بسیاری از نظریات ابن‌سکیت درباره منازل فلک، بروج، طلوع و غروب خورشید و غیره را یادآور می‌شود. (ابن‌سیده المرسی، ۱۴۱۷ق، سفر نهم) ابن‌سکیت دو اثر به نام الوحوش و نیز الحشرات داشته که امروزه اثری از آن در دست نیست و در کتاب المخصّص که دو سده بعد از ابن‌سکیت نگاشته شده، موارد و موضوعاتی از ابن‌سکیت درباره حیوانات اهلی و وحشی (باب البهائم) آمده است؛ از جمله در مورد شتر، گوسفند، اسب، گاو و...، جزئیاتی همانند دوران بارداری، زایمان، شیر، ادرار، روغن آن‌ها و درمان به وسیله آن، امراض آن‌ها، نحوه نگهداری و خوراک آن‌ها مطرح کرده است (ابن‌سیده المرسی، ۱۴۱۷ق، سفر هشتم) هم‌چنین مطالبی در مورد پرندگان، حشرات و حیوانات وحشی هم‌چون: شیر، پلنگ، گرگ، روباه، کلاغ، زنبور، ملخ و... دارد. (ابن‌سیده المرسی، ۱۴۱۷ق، سفر هشتم)

۶. سلوک علمی

علاقه وافر به دانش‌اندوزی، یکی از صفات بارز و قابل تحسین ابن‌سکیت در حیطة دانش بوده است. شمار فراوانی از اهل علم در مجالس ادبی و علمی وی حضور داشتند. ابوشعیب عبدالله بن حسن حرّانی از لغویان مشهور، به سبب سلوک علمی نیکوی ابن‌سکیت، به مدت ۲۱ سال شاگرد و ملازم او بوده و دانش لغت را از وی آموخته است. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۶۲)

علاقه ابن‌سکیت به دانش و مطالعه، سبب گردید کتاب‌های ابوحاتم سجستانی، از بزرگان علم و ادب، فقه، حدیث و لغت سده سوم قمری را بعد از مرگش، به چهارده هزار درهم بخرد. (ابن‌عماد حنبلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۱) وی به شاگردان و دوستان اهل علمش توصیه می‌کرد مراقبت کامل در نگهداری کتب خود داشته باشند؛ زیرا سهل‌انگاری سبب می‌گردد جانورانی کوچک (دوییه) اوراق کتاب‌ها را بخورند. (دمیری، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۳۳۸)

ابن سکیت در مجالس درس اساتید، از دیگر شاگردان زودتر حاضر می‌شد (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۷۲) و نگارش برخی کتاب‌های آن‌ها را خود به عهده داشت. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۶۳؛ یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۶، ص ۷۹) هم‌چنین با تأسی به برخی اساتید خود همانند شیبانی که تا ۱۱۸ سالگی با دستخط خود می‌نوشت (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۱ و ص ۶۵؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۶۳؛ یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۳۳؛ ابن حجر عسقلانی، ۱۴۰۴، ج ۱۲، ص ۱۶۵؛ ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۵)، بعضاً کتاب‌های مورد نیازش را با خط خود نسخه‌نویسی می‌کرد. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۱۷۳) وی بارها در مجالس علمی، از املاکنندگان اشکال می‌گرفت و با لحن محترمانه «اعزگ الله یا مملی»، اشکال را مطرح می‌کرد (ابن حمدون، ۱۹۶۶، ج ۷، ص ۲۷۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۱۲) و به نقل قول قُدمای علم نحو و لغت استناد می‌نمود. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۵؛ ابن حمدون، ۱۹۶۶، ج ۷، ص ۲۷۷) بی‌پروایی وی در گرفتن اشکالات علمی و آموزشی از برخی، سبب گردیده بود افرادی دل آزرده شوند (ابن حمدون، ۱۹۶۶، ج ۷، ص ۲۷۷؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۱۲) و حتی وی را به ترک کوفه و رفتن به سامرا تشویق کنند. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۷۲)

آموزش عالمانه ابن سکیت به شاگردان، باعث گردید بسیاری از دانش‌آموختگان محضر وی هم‌چون: ابوالعباس ثعلب نحوی معروف، ابوسعید سُکری لغوی و انساب‌شناس، ابوعمکره ضبی عالم ادبیات و حرّانی، از بزرگان علم و معرفت گردیدند. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۱۱۵؛ ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۹۵؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶؛ ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۸) ابوحنیفه دینوری (۲۲۲-۲۸۲ق) شاگرد برجسته وی که به تمایلات شیعی معروف است، در نحو، لغت، ستاره‌شناسی (کتاب الکسوف و الانواء)، گیاه‌شناسی (کتاب النبات)، جغرافی، ریاضیات (کتاب الجبر و المقابله و نوادر الجبر)، تاریخ‌نگاری (اخبار الطوال)، تفسیر قرآن (در ۱۳ جلد)، علم حدیث و روایت که از وی با عنوان علامه دینوری یاد می‌شود (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۳، ص ۴۲۲)، به اذعان بیش‌تر تاریخ‌نویسان، دانش خود را وام‌دار

ابن سگیت است. (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۸۶؛ یاقوت حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۲۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۲۱، ص ۵۷؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۷۷) ثعلب شاگرد وی نقل کرده که هرگز از ابن سگیت کار زشت و عیبی سر نزد (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۵؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۷) و دارای حجب و حیا و فردی خیر و معتمد بود (ابن ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۳) و همواره سفارش می‌نمود که ترک نزاع، در ملاطفت با مردم است. (یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۱۰، دمیری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۲۲۸) از فحوای مطالب وی در آثارش به دست می‌آید که وی عموماً مطالب خود را با استناد و ذکر نام اشخاص طرح می‌کرده و هرگز در پی سرقت ادبی نبوده است. (ابن سگیت، مقدمه ۵۲) ابن سگیت هیچ‌گونه بی‌ادبی و گستاخی نسبت به اساتید خود انجام نمی‌داد و حتی اگر نظرش بر خلاف استاد بود، به احترام استاد ساکت می‌شد و چیزی نمی‌گفت و پرسش نمودن را برای تحقیر و طعن دیگران مطرح نمی‌کرد و بیش‌تر فهم مطلب برای وی اهمیت داشت. (یاقوت حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۵، ص ۱۲۸)

وی توصیه می‌کرد از علم و ادب، هر آنچه گوش‌نواز است، از دانش نحو، آنچه سخن و کلام به آن استحکام یابد، از شعر، هر آنچه معانی و مفاهیم لطیف دارد و از اخبار و گفتار مردم، بایستی فراوان بهره جست و گفتارهای ناشایست آن را رها نمود. (یاقوت حموی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۷۶؛ مناوی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴)

۷. نسبت ابن سگیت با علوم شیعی

استعداد علمی، برخورداری از دانش‌های متنوع، آشنایی با علم تفسیر قرآن و حدیث و شیفتگی و اشتیاق در کسب علم و معرفت، زمینه‌های بهره‌مندی ابن سگیت را از محضر امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام فراهم نمود و از دانش ایشان بهره فراوان برد. بر این اساس، بیش‌تر منابع حدیثی و علم رجال، او را در ضبط و نقل حدیث و روایات، ثقه دانسته‌اند. (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۹؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۹۹؛ یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۱) وی بر

این باور بود که نزدیک‌ترین کسان به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بنی‌هاشم و عترت آن حضرت هستند و لذا موضوعات قرآنی، فقهی، روایی، حدیثی و حتی تاریخ گذشتگان را از آن دو امام بزرگوار سؤال می‌نمود. (بحرانی، ۱۴۰۵، ص ۵۷۰) این موضوع، ارتباط عمیق وی را با علوم شیعی و امامان شیعه ترسیم و تداعی می‌کند.

جایگاه روایی و حدیثی

ابن سکیّت، محضر امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام و امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام را درک کرد و از شیعیان خاص ایشان (حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۰۶؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶؛ قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۶) و مجانب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام محسوب می‌شد. برخی وی را از اصحاب امام حسن عسکری (تستری، ۱۴۲۵، ج ۱۱، ص ۱۲۹) و بعضاً از صحابه امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام ذکر کرده‌اند که با آن حضرت ملاقاتی داشته است. (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۸۱؛ دیلمی، بی‌تا، ص ۲۱۱؛ صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۶)

وی علاوه بر مهارت در علوم گوناگون، راوی و محدثی توانمند بود و روایات بسیاری را جمع‌آوری نمود. بیشتر منابع حدیثی و روایی و علم رجال اهل سنت و شیعه، او را مورد اطمینان ذکر کرده (نجاشی، ۱۴۱۶، ص ۴۴۹؛ یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۲۰، ص ۵۲؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۶-۶۳؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۳؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۵۵۱-۵۵۴؛ یافعی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۰۹-۱۱۱) و منابع شیعی اذعان نموده‌اند که هیچ طعنی درباره او نیست. (حلی، ۱۴۱۷، ص ۲۹۹؛ تفرشی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۹۴)

استفاده فقهی از مضامین لغوی ابن سکیّت در میان فقهای مشهور شایع است. استدلال ایشان به این مضامین، سبب گردیده که استنباط احکام فقهی متفاوت باشد. (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۷۷) ابن سکیّت در تعریف فقیر و مسکین در مضامین فقهی و احکام مربوط به آن می‌گوید:

«فقیر کسی است که بهره‌ای از زندگی دارد ولی مسکین هیچ ندارد». (نجفی، ۱۳۶۷،

ج ۱۵، ص ۳۰۲)

در فقه شافعی آمده که ابن‌سکیت، یتیم را در میان آدمیان، کسی می‌داند که از پدر محروم باشد و در میان حیوانات، یتیم به حیوانی گفته می‌شود که از مادر محروم گردد (صدر، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۸۹؛ شربینی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۶۱)، بیهقی در سنن کبری، ابن‌حجر در فتح‌الباری، عینی در عمده‌القاری، سیوطی در دیباج، مبارکفوری در تحفه‌الاحوذی و ابن‌عبدالبر در التمهید، در زمینه فقه موارد متعددی را از دانش لغت‌شناسی و مفهوم و معانی آن از ابن‌سکیت نقل کرده‌اند که بر مبنای تعریف مفاهیم و معانی وی، موارد فقهی و احکام استنباطی مربوط به آن آمده است.

وی درباره تفسیر برخی آیات قرآن، مباحث اعتقادی و برخی از مطالب تاریخی، از امام علیه السلام سؤال می‌کرد و امام از وی می‌خواستند که سخنان را بنویسد.^۲

۱. در اکثر متون تاریخی آمده است که از امام ابوالحسن علیه السلام سؤال کرد و چون این کُتبه هم برای امام رضا علیه السلام و هم برای امام هادی علیه السلام است، لذا بعضاً امام رضا علیه السلام را به جای امام هادی علیه السلام ذکر نموده‌اند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ طبرسی، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۲۲۵؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۰۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۲۳)

۲. ابن‌سکیت در مورد علت تغییر و تنوع معجزات پیامبران از امام ابوالحسن علیه السلام پرسید: «چرا خدا حضرت موسی علیه السلام را با عصا و ید بیضا و حضرت عیسی علیه السلام را با طبابت و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با کلام و خطبه مبعوث فرمود؟» امام فرمود: «زمانی که خدا موسی علیه السلام را مبعوث کرد، جادوگری بر مردم آن زمان غلبه داشت؛ پس او از طرف خدا چیزی آورد که جادوی آن‌ها را باطل ساخت. حضرت عیسی علیه السلام را در زمانی فرستاد که بیماری‌ها فراگیر بود و مردم به طب و طبابت نیاز داشتند؛ لذا او به اجازه خداوند مردگان را زنده کرد و کور مادرزاد و بیماری پیری را درمان نمود. حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در زمانی فرستاد که ایراد خطبه و سخنوری و شعر و ادبیات زیاد شده بود؛ از این رو آن حضرت از طرف خدا، پندها و حکمت‌هایی (قرآن) شیوا آورد که گفتار آن‌ها را باطل کرد و حجت را برایشان تمام نمود.» ابن‌سکیت به امام علیه السلام عرض نمود: «به خدا هرگز مانند تو را ندیدم». در ادامه ابن‌سکیت به امام علیه السلام عرض کرد: «امروز حجت خدا بر خلق چیست؟» امام علیه السلام فرمود: «عقل که انسان به وسیله آن هر کس را که به راستی از دین خدا سخن می‌گوید، تصدیق می‌کند و پیرو او می‌گردد و هر مدعی که دروغ می‌گوید، تکذیب می‌کند و در پی او نمی‌رود. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۰۸؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۸، ص ۲۳؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۸ و ص ۲۴؛ صدوق، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۲۱)

۸. معلم و مؤدّب دربار خلافت عباسی

آغاز ورود ابن سکیّت به دستگاه خلافت عباسی، توسط محمد بن عبد الله بن طاهر رئیس شرطه بغداد و یحیی بن خاقان وزیر متوکل صورت گرفت که برای تعلیم فرزندان ایشان وی را دعوت کردند. (قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۷؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۵۵۲) نخست پانصد و سپس هزار درهم حقوق ماهانه برای وی تعیین گردید. (ابن خلکان، بی تا، ج ۶، ص ۳۹۸؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۵) پس از مدتی به سبب شایستگی و شهرت وی در علم نحو و سلوک اخلاقی و رفتار نیک، از طرف متوکل، مؤدّب فرزندانش معتز و مؤید گردید و سپس ندیم مخصوص خلیفه شد (EI, 1960, VOL 3, P.940؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶) و ماهانه دو هزار درهم از دربار دریافت می نمود. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۷؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۶، ص ۳۹۸) برخی وی را از ندیم شدن متوکل بر حذر داشته بودند که سودی نبخشید. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۸، ص ۵۵۲) ابن سکیّت در نخستین روز تدریس، با بی توجهی معتز مواجه شد که محل درس را ترک نمود و با شتاب برخاست و دوید و بر زمین افتاد. وی شعری به این مضمون سرود:

«یموت الفتی من عثرة بلسانه، ولیس یموت المرء من عثرة الرجل؛ جوان به لغزش زبانش می میرد و مرد هرگز به لغزش پایش نمی میرد». (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۲۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۱۸؛ ابن العدیم، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۳۷۶۸)

سخن حکیمانه وی که به متوکل رسید، امر نمود که پنجاه هزار درهم به ابن سکیّت پاداش دهند. (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۱۸، ص ۳۱۸؛ ابن عماد حنبلی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۶؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۶-۶۳؛ ابن خلکان، بی تا، ج ۶، ص ۳۹۰)

ممکن است رقبای او از جایگاهش در دربار ناخشنود بوده و متوکل را از معتقدات شیعی وی آگاه کرده باشند؛ لذا متوکل روزی سرزده وارد مجلس درس ابن سکیّت شد که معتز و مؤید نیز حضور داشتند. متوکل بی مقدمه گفت:

«این دو فرزند من نزد تو عزیزترند یا حسن و حسین فرزندان علی ع؟»

ابن سکیت بی‌درنگ گفت:

«ای خلیفه! قنبر خادم علی علیه السلام از دو کودک تو بهتر بود تا چه رسد به فرزندان او». متوکل بی‌درنگ دستور داد تا غلامان ترک، زبان او را از پشت گردنش بیرون کشیدند و پیکرش را لگدمال نمودند و بدن نیمه‌جان او را به منزلش بردند و روز بعد درگذشت. متوکل نیز ده هزار درهم دیه او را از بیت‌المال به خانواده‌اش پرداخت نمود. (دمیری، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۳۲۸؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۹) در روایتی دیگر نقل شده که متوکل از ابن‌سکیت خواست به مردی قریشی دشنام دهد و او نپذیرفت و خلیفه دستور داد او را زدند تا مُرد. (ابن‌خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۱) برخی قتل او را به مثابه شهادت ذکر کرده‌اند. (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۲۸)

۹. آثار علمی و ادبی

ابن‌سکیت بیش از سی اثر از خود برجای گذاشت (ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۷۹؛ ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶) که برخی از این آثار در حوادث دوران از بین رفته است. آثار وی عبارتند از: الایام واللیالی، البحث، الحشرات، الزیرج، سرقات الشعراء، اصلاح المنطق، المذکر والمؤنث، المقصور والمدود، النبات والشجر، الالفاظ، الامثال، الانساب، الانواء، السرج واللجام، الفرق، فعل و افعال، القلب والابدال، منطق الطیر، التوسعة فی کلام العرب، شرح المعلقات، النوادر، الوحوش، معانی الشعر الصغیر، معانی الشعر الکبیر، غریب القرآن، الإبل، الاجناس، الاضداد، و المثنی والمبنی والمکنی. (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶، ابن‌ندیم، بی‌تا، ص ۷۹)

کتاب اصلاح المنطق مشهورترین اثر وی است که آن را حجتی در زبان عربی دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۷، ج ۱۲، ص ۱۶) و از حجم اصلی آن خبری نیست. (ابن‌خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۰؛ قمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۱۴) بسیاری از ادبا آن را با انواع تصرفات دست‌کاری و مختصر نموده و الفاظی بر آن افزوده (حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۸)، ردیه‌ای بر آن نگاشته (یاقوت حموی، ۱۴۰۰، ج ۱۳، ص ۲۰۹) و هم‌چنین به حروف تهجی تنظیم و ابیات

آن را شرح کرده‌اند. (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۰؛ حاجی خلیفه، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۸) ابن‌المغربی، تاریخ‌نگار، ادیب، لغت‌شناس و سیاست‌مدار شیعی سده‌های چهارم و پنجم قمری آن را مختصر کرد و خطیب تبریزی آن را تهذیب نمود. (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۰؛ امین، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۰۶) مبرّد نحوی برجسته سده سوم قمری گفته که در میان بزرگان علم در بغداد، کتابی نیکوتر از اصلاح‌المنطق ابن‌سکیت ندیده است. (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۷۶؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۱۱، ص ۳۱۱؛ قفطی، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۹) برخی عبارت مبرّد را این‌چنین ضبط نموده‌اند که کتابی در لغت همانند اصلاح‌المنطق از پل بغداد عبور نکرده است. (ابن خلکان، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۰۰) ابن‌سکیت در این کتاب کوشیده تا لغزش‌های راه‌یافته به ادبیات عرب و زبان عربی هم‌چون واژگان مُعتَلّ و مهموز و مُخَفَّف را توضیح دهد و بسیاری از واژه‌های عربی را از جنبه‌های صرفی، فصاحت و عدم فصاحت تبیین نماید. وی از برخی اشعار فرزدق و کمیت بن زید اسدی شاهد مثال آورده و کاربرد خیلی از کلمات را با قرآن سنجیده است. در حال حاضر، نسخه‌های خطی بسیاری از آن در کتابخانه‌های بریل در لیدن، موزه بریتانیا، اسکوریاال اسپانیا، کوپریلی ترکیه، خدیو مصر و دارالکتب القاهره، حیدرآباد دکن و اسکندریه مصر موجود است. اصلاح‌المنطق اولین بار در حیدرآباد دکن در سال ۱۳۵۴ قمری چاپ شد و سپس در قاهره در سال ۱۹۵۶ م تجدید چاپ گردید. (جلالی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۵۸)

وی کتاب تهذیب‌الالفاظ در مورد لغات متشابه را در ۱۴۸ فصل نوشت. ابوزکریا خطیب تبریزی ادیب و لغوی قرن پنجم هجری این کتاب را به نام کنز‌الحفاظ تهذیب کرد و برای اولین بار در سال ۱۸۹۵-۱۸۹۶ میلادی در ۹۴۰ صفحه چاپ شد. (سرکیس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۰) کتاب اصداد که به شرح معانی متضاد اختصاص دارد، در ۱۹۱۲ و کتاب القلب و الابدال در ۱۹۰۳ در بیروت چاپ شد. (سرکیس، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۰) شرح دیوان‌های الحُطیئة، الخنساء، طرفة بن عبد، عروة بن ورد، قیس بن خطیم، مزرد و نابغه ذبیانی نیز در اوایل قرن بیستم میلادی در لایپزیک، لیدن، مصر و بیروت چاپ شده است. (بروکلمان، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۹، ۹۳، ۱۰۹، ۱۶۴-۱۶۵، ج ۲، ص ۲۰۸)

نتیجه‌گیری

ابن‌سکیت از صحابه امامان شیعه، جایگاه ویژه‌ای در توسعه علمی داشته است. وی در زمینه‌های مختلف علمی، با پشتکار فراوان به فعالیت مشغول بوده است. منابع مهم و معتبر تاریخی سنی و شیعه، ویژگی‌های علمی - اخلاقی او را ستوده‌اند. وی با امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام مراداتی داشته است. ابن‌سکیت از صاحب‌نظران در ادبیات عرب، علم نحو و لغت بوده؛ به طوری که بیش‌تر کتب و معاجم مشهور لغت، به معانی و مفاهیم لغوی وی استناد نموده‌اند. برخی مفسران شیعه و سنی نیز دیدگاه‌های وی در مورد معانی و مفاهیم قرآن را در تفاسیر خود آورده‌اند.

ابن‌سکیت به شعر، تاریخ و جغرافیا، گیاه‌شناسی، ستاره‌شناسی و جانورشناسی علاقه‌مند بود. او علاوه بر داشتن جایگاه علمی، راوی و محدث توانمندی نیز به شمار می‌رفت که بیش‌تر منابع روایی و علم رجال سنی و شیعه او را ثقه دانسته‌اند. استفاده فقهی از مضامین لغوی ابن‌سکیت در میان فقهای مشهور شایع است.

ابن‌سکیت بیش از سی اثر از خود به جای گذاشت که برخی از این آثار در حوادث دوران از بین رفته است. کتاب اصلاح‌المنطق مشهورترین اثر وی است که از حجم اصلی آن اطلاعی در دست نیست.

فهرست منابع

١. ابن الأثير، عزالدين ابوالحسن على بن محمد جزرى، **الكامل فى التاريخ**، بيروت: دارصادر، ١٣٨٦ق / ١٩٦٦م.
٢. ابن الجوزى، ابوالفرج، **المنتظم فى تاريخ الأمم والملوك**، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٢.
٣. ابن العديم، عمر بن احمد، **بغية الطلب فى تاريخ حلب**، تحقيق سهيل زكار، دمشق: بى نا، ١٤٠٨.
٤. ابن تغرى بردى، يوسف، **النجوم الزاهرة فى ملوك مصر والقاهرة**، مصر: وزارة الثقافة والارشاد القومى، بى تا.
٥. ابن حجر عسقلانى، شهاب الدين، **تهذيب التهذيب**، بيروت: دار الفكر، ١٤٠٤.
٦. _____، **لسان الميزان**، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٠.
٧. ابن حمدون، محمد بن حسن، **التذكرة الحمدونية**، تحقيق احسان عباس و بكر عباس، بيروت: دارصادر للطباعة والنشر. ١٩٦٦م.
٨. ابن خلكان، ابوالعباس احمد بن محمد، **وفيات الاعيان**، تحقيق احسان عباس، بيروت: دارالثقافه. بى تا.
٩. ابن سكيت، يعقوب بن اسحاق، **ترتيب اصلاح المنطق**، مشهد: مجمع البحوث الاسلاميه ايران، ١٤١٢.
١٠. ابن سيده المرسي، ابوالحسن على بن إسماعيل، **المخصّص**، تحقيق خليل إبراهيم جفال، بيروت: داراحياء التراث العربى. ١٤١٧.
١١. ابن شاکر كئبى، محمد، **فوات الوفيات**، به كوشش احسان عباس، بيروت: بى نا، ١٩٧٣م.
١٢. ابن شهر آشوب، ابوجعفر، **مناقب آل ابى طالب**، نجف اشرف: مكتبه الحيدريه، ١٣٧٦.
١٣. ابن عساکر، ابوالقاسم على بن حسن دمشقى، **تاريخ مدينة دمشق**، تحقيق على شيرى، بيروت: دارالفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٥ق.
١٤. ابن عماد حنبلى، ابى الفلاح، **شذرات الذهب فى أخبار من ذهب**، بيروت: دارإحياء التراث العربى، بى تا.
١٥. ابن فضل الله العمرى، شهاب الدين، **مسالك الابصار فى ممالك الامصار**، ابوظبى: المجمع الثقافى، ١٤٢٣.
١٦. ابن قتيبه، ابومحمد عبدالله، **المعارف**، تحقيق ثروت عكاشه، قاهره: دارالمعارف، بى تا.

١٧. ابن قدامه، عبدالله، المغنی، بیروت: دارالکتب العربی للنشر والتوزیع، بی‌تا.
١٨. ابن کثیر، ابی‌الفداء إسماعیل، سیرة النبوة، بیروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر والتوزیع، ١٣٩٦.
١٩. _____، البدايه و النهايه، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ١٤٠٨.
٢٠. ابن نجیم المصری، البحر الرائق، تحقیق الشیخ زکریا عمیرات، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤١٨.
٢١. ابن ندیم، محمد بن ابی یعقوب، الفهرست، تحقیق، محمدرضا تجدد، تهران: امیرکبیر، بی‌تا.
٢٢. ابو حیان توحیدی، علی بن محمد، الامتاع المؤمنة، قاهره: بی‌تا، ١٩٣٩م.
٢٣. ابو حیان غرناطی، محمد، تذکرة النحاة، به کوشش عقیف عبدالرحمان، بیروت: بی‌تا، ١٤٠٦.
٢٤. ابی‌الفرج الاصفهانی، علی بن حسین، الاغانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
٢٥. ابی‌یعلی، قاضی ابی‌الحسین، طبقات الحنابلة، بیروت: دارالمعرفة، بی‌تا.
٢٦. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، بی‌تا.
٢٧. آل عبدالجبار، محمد، الشهب الثواقب لرجم شیاطین النواصب، قم: نشر الهادی، ١٤١٨.
٢٨. بحرانی، علی، منار الهدی فی النص علی امامة الائمة الاثني عشر، بیروت: دارالمنتظر للطباعة والنشر والتوزیع، ١٤٠٥.
٢٩. براقی‌النجفی، حسین بن احمد، تاریخ الکوفه، نجف: مکتبه الحیدریه، ١٤٢٤.
٣٠. بروکلیمان، کارل، تاریخ الادب العربی، قاهره: دارالمعارف، بی‌تا.
٣١. بغدادی، اسماعیل پاشا، ایضاح المکنون، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
٣٢. _____، هدیة العارفين، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
٣٣. تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤٢٥.
٣٤. تفرشی، نقد الرجال، قم: مؤسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، ١٤١٨.
٣٥. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، بیروت: دارالاضواء، ١٤٠٣.
٣٦. جلالی، محمدحسین، فهرس التراث، قم: نشر دلیل ما، ١٤٢٢.
٣٧. حاجی خلیفه، مصطفی ابن عبدالله، کشف الظنون، بیروت: داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
٣٨. حلّی، حسن بن علی بن داوود، رجال ابن داوود، نجف: المطبعة الحیدریة، ١٣٩٢.
٣٩. حلّی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، بی‌جا: نشر الفقاهه، ١٤١٧.

٤٠. حلى (محقق حلى)، نجم الدين ابى القاسم، **المعتبر فى شرح المختصر**، قم: مؤسسة سيدالشهداء عليه السلام، ١٣٦٤ ش.
٤١. خطيب بغدادى، ابوبكر احمد بن على، **تارىخ بغداد**، تحقيق مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤١٧.
٤٢. ديميرى، كمال الدين، **حياة الحيوان الكبرى**، بيروت: دارالكتب العلميه، ١٤٢٤.
٤٣. دهخدا، على اكبر، **لغت نامه**، تهران، دانشگاه تهران، ١٣٧٢.
٤٤. ديلمى، حسن بن محمد، **اعلام الدين فى صفات المؤمنين**، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، بى تا.
٤٥. ذهبى، شمس الدين، **تارىخ الاسلام**، تحقيق عمر عبد الله تدمرى، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٠٧.
٤٦. _____، **سير اعلام النبلاء**، تحقيق حسين الاسد، بيروت: مؤسسه الرساله، ١٤١٣.
٤٧. زمخشري، محمود بن عمر، **اساس البلاغه**، قاهره: دار و مطابع الشعب، ١٩٦٠ م.
٤٨. سركىس، يوسف بن اليان، **معجم المطبوعات العربيه**، قم: مكتبه مرعشى، ١٤١٠.
٤٩. سزگين، فؤاد، **تارىخ التراث العربى**، رياض: نشر جامعه الإمام محمد بن سعود الاسلاميه (جامعة الملك سعود)، ١٤١١.
٥٠. سيوطى، جلال الدين، **تارىخ الخلفاء**، مكة المكرمة: دارالتعاون، بى تا.
٥١. شربينى، محمد، **مغنى المحتاج الى معرفة معانى الفاظ المنهاج**، مصر: مكتبة و مطبعة مصطفى البابى الحلبي و اولاده بمصر، ١٣٧٧.
٥٢. شمشاطى، على، **الانوار و محاسن الاشعار**، به كوشش محمد يوسف، كويت: بى تا، ١٣٩٩.
٥٣. صدر، محمد، **ماوراء الفقه**، قم: المحبين للطباعة والنشر، ١٤٢٧.
٥٤. صدر، حسن، **تأسيس الشيعة لعلوم الاسلام**، تهران: انتشارات اعلمى، ١٣٧٥.
٥٥. صدوق، ابى جعفر محمد بن على، **علل الشرايع**، نجف: المكتبة الحيدرية، ١٣٨٥.
٥٦. _____، **عيون اخبار الرضا عليه السلام**، بيروت: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، ١٤٠٤.
٥٧. صفدى، صلاح الدين، **الوافى بالوفيات**، تحقيق احمد الارناؤوط و تركى مصطفى، بيروت: داراحياء التراث، ١٤٢٠.
٥٨. طبرسى، احمد بن على، **الاحتجاج**، النجف الاشرف: دارالنعمان للطباعة والنشر، ١٣٨٦.

٥٩. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالتقافة للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤.
٦٠. فیض کاشانی، محمدحسن، الوافی، اصفهان: مكتبة الامام اميرالمؤمنين علي عليه السلام، ١٤٠٦.
٦١. قفطی، علی بن یوسف، إنباه الرواة علی أنباه النحاة، تحقیق محمد ابوالفضل إبراهيم، بیروت: المكتبة العصرية، ١٤٢٤.
٦٢. قمی، عباس، الکنی واللقاب، تهران: مكتبة الصدر، بی تا.
٦٣. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ١٣٦٧.
٦٤. مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، قم: منشورات دارالهجره ایران، ١٤٠٤.
٦٥. مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قاهره: مكتبه مدبولی، ١٤١١.
٦٦. مناوی، محمد عبدالرؤف، فیض القدير شرح الجامع الصغير، تحقیق تصحیح احمد عبدالسلام، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٥.
٦٧. منسی العمری، عبدالله، تاریخ العلم عند العرب، عمان: دار مجدلاوی، ١٩٩٠م.
٦٨. نجاشی، احمد بن علی، رجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ١٤١٦.
٦٩. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ١٣٦٧.
٧٠. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت، ١٤٠٨.
٧١. یافعی، ابی محمد عبدالله بن اسعد، مرآة الجنان وعبرة اليقظان فی معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ١٤١٧.
٧٢. یاقوت حموی، شهاب الدین، معجم البلدان، بیروت: دارصار، ١٩٩٥م.
٧٣. _____، معجم الأدباء، بیروت: دارالفکر، ١٤٠٠.